

مفهوم حکمت

در دعوت

مؤلف:

صالح بن عبدالله بن حمید

مترجم: پدرام اندایش

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه:

شکر و ستایش برای الله است و
صلوات و سلام بر رسول الله و
بر آل و اصحابش و اما بعد:
این سخنانی است درباره‌ی
حکمت، دعوت و حرکت کردن

مفهوم حکمت در دعوت // 3

به سوی تلاش قوم بزرگی که به سوی الله تعالی دعوت می‌دادند. آنان در دعوت خود به مسائلی برخورد می‌کنند که کسانی که کار آنها را انجام می‌داده‌اند، در گذشته و حال حاضر به آن مسائل برخورد می‌کنند و این در هر زمانی وجود دارد و این سنت الله تعالی در حاضران و گذشتگان می‌باشد.

4 // مفهوم حکمت در دعوت

دعوت به سوی الله تعالی راه پیامبران بوده است. پیامبران الله تعالی در این کار با مسائلی برخورد کردند که در آنها رنج، مخالفت، روی برگرداندن و تکبر ورزیدن در بین افراد زیادی وجود داشته است و در مقابل آنها بزرگان اقوامی قد علم کرده بودند که از روی تکبر

مفهوم حکمت در دعوت // 5

با سخن آنان مخالفت می -

ورزیدند. الله تعالی

می فرماید: ﴿قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي

أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا

وَمَنْ اتَّبَعَنِي وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا أَنَا

مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾ [یوسف: 108]

(بگو: این راه من است [که] با

بصیرت به سوی الله [تعالی]

دعوت می‌دهم و کسانی که از

من تبعیت می‌کنند [نیز باید این

کار را انجام دهند]. پاک و منزّه

6 // مفهوم حکمت در دعوت

است الله و من از مشرکان نمی-
باشم).

این مطلب فقط درباره‌ی حکمت
می‌باشد و معنای آن را بیان
داشته و مفهوم آن را آشکار
می‌نماید.

اگر حکمت با دعوت همراه
شود، همان آرزو و یقین می-
باشد، توسط آن دعوت شدگان

مفهوم حکمت در دعوت // 7

فهم مسئولیت پذیری و انجام تکالیف را پیدا می‌کند. وقتی این احساس محکم می‌شود، سرشت آنها تغییر پیدا کرده و راه آنها اعتدال می‌یابد و هدف آنها اصلاح می‌گردد. پس حقی که بر گردن دعوتگر از طرف الله تعالی وجود دارد این است که این احساس را بیدار کند. در اینجا است که تمامی حکمت، پند نیکو و بحثی که به نیکوترین

8 // مفهوم حکمت در دعوت

شکل می‌باشد را برای شما بیان می‌داریم و بعد از آن از عواملی صحبت می‌شود که باعث تحقق یافتن مفهوم حکمت می‌شود: ضرورت شناخت سرشت انسانها، گروه‌هایی که دعوت شدگان به آن تقسیم می‌شوند و نگرستن در شرایط زمانی و

مفهوم حکمت در دعوت // 9

مکانی و استفاده از اسلوب‌های
قولی و عملی.

تعریف حکمت:

حکمت از «الحکمه» - با
فتحه‌ی کاف و میم - گرفته
شده است و آن چیزی است که
بر دهان چهارپا بسته می‌شود تا
سوارکارش، آن را از سرکشی
باز دارد. حکمت از آن گرفته

10 // مفهوم حکمت در دعوت

شده است، زیرا صاحب خود را
از اخلاق پست باز می‌دارد¹.
حکمت در حقیقت به معنای
قرار دادن هر چیزی در جای
آن می‌باشد.

این تعریفی عمومی بوده و
شامل سه بخنان، اعمال و دیگر
موارد می‌باشد. امید است ای

¹ - المصباح المنیر 56.

مفهوم حکمت در دعوت // 11

برادرانم! تا در این مطلب،
حکمتی را بیان دارم که از
صفات کسی است که به سوی
الله تعالی دعوت می‌دهد و آن
غالباً سخنی از روی علم و
موعظه و تغییری است که در
دیگران ایجاد می‌شود تا آنان را
به سوی خیر بفرستد و از شرّ
آنها را باز دارد.

درباره‌ی این مفهوم، ابن زید
گفته است: «هر سخنی که با آن

12 // مفهوم حکمت در دعوت

پند دهی یا بسوی چیزی گرامی
دعوت دهی یا از امر زشتی باز
بداری، همان حکمت است».

دقیق‌تر از آن این سخن اُبی
جعفر محمد بن یعقوب است:
«هر سخن درستی که نتیجه‌ی
آن انجام گرفتن فعل درستی
باشد، همان حکمت است».
جرجانی در تعریفات گفته است:

مفهوم حکمت در دعوت // 13

«هر سخنی که موافق حق باشد،
حکمت است.»

الله تعالی نیز می‌فرماید: ﴿يُؤْتِي
الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ
الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا﴾

[البقره: 269] (به هر کس

بخواهد حکمت را عطا می‌نماید

و کسی که به او حکمت داده

شود، همانا به او خیر بسیاری

داده شده است).

14 // مفهوم حکمت در دعوت

این آیه‌ی گرامی بین حکمت و خیر ارتباط برقرار کرده است و دلیل این ارتباط این است که حکمت شامل معانی درستی است که باعث سالم شدن سخن و عمل می‌گردد.

در معنای دیگر: حکمت کامل بودن علم و اجرای عملی، موافق با آن علم می‌باشد. کسی

مفهوم حکمت در دعوت // 15

که این حکمت را بخواهد - به این معنا که برای قبول آن مستعد باشد و در فکر، قوای بدن و سرشت اعتدال و سلامتی داشته باشد - در نتیجه‌ی آن حقایق را می‌فهمد و وقتی حق برایش روشن می‌شود، بر آن گردن می‌نهد و اموری مثل هوای نفس، تعصب، زورگویی و تکبر او را از این کار باز نمی‌دارد. در پس آن است که

16 // مفهوم حکمت در دعوت

اسباب آن شاملِ حاضر شدن در نزد دعوتگران و سالم ماندن از نافرمانان معاند برای او آسان می‌گردد و اگر روی نمودن به الله تعالی با آن همراه شود، اسباب آن آسانتر شده و چیزی که مانع فهم آن مسائل می‌شود، از وی جدا می‌گردد و فهم برای او آسانتر می‌شود.

مفهوم حکمت در دعوت // 17

در این هنگام است که خیر زیادی را بدست می‌آورد که الله سبحانه به آن اشاره دارد: ﴿فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا﴾ (همانا به او خیر زیادی داده شده است).

خیر بسیار سبب به وجود آمدن فکر و هدایت الهی می‌شود. از مشتقات این خیر و اموری که توسط حکمت ایجاد می‌شود، اشتباه نکردن و گرفتار گمراهی نشدن به اندازه‌ی توکل

در فهم و حضور ذهن داشتن در
آن

می‌باشد. اگر در مشکلاتی که
برای مردم به وجود
می‌آید بنگرید، بیشترین آنها به
علت وجود جهل، گمراهی و
فکر فاسد می‌باشد و بر عکس
آن نیز درست است که آنچه به
مردم منفعت می‌رساند و باعث

مفهوم حکمت در دعوت // 19

اصلاح آنها می‌شود، شناخت‌ها
و علم به حقایق می‌باشد و اگر
مردم حق را می‌شناختند از
مواضعی که باعث بدبختی و
بیچارگی می‌شود، دوری می-
کردند!

از مجموع سخنانی که گفته شد،
معلوم می‌شود که حکمت کلمه-
ای عام است که شامل سخنانی

20 // مفهوم حکمت در دعوت

می باشد که باعث ایجاد بیداری
نفس و رسیدن به خیر و باخبر
شدن از اموری که باعث
خوشبختی و بدبختی می شوند و
رعایت اصول آداب می باشد... و
آن شناختی خالص است که از
اشتباه کردن و گرفتار جهل
شدن در آموزش انسانها و پاک

مفهوم حکمت در دعوت // 21

کردن و توجیه نمودن آنان،
جلوگیری می‌کند.

آن اسمی جامع می‌باشد که در
هر سخن یا علمی استفاده می-
شود که توسط آن حال مردمان
و اعتقادات آنها اصلاح گردیده
و به طور مستمر جریان داشته و
تغییر نمی‌کند.¹

¹ - التنوير والتحرير 3 60 - 63 ، 41 / 35

1122 // مفهوم حکمت در دعوت

اموری که به آنها حکمت گفته شده است:

در عبارات شرعی حکمت به آن چیزی که بیان نمودم گفته می-شود.

همچنین منظور از آن: کتابهای آسمانی مثل قرآن و انجیل و دیگر کتابها می باشد.

مفهوم حکمت در دعوت // 23

همچنین منظور از آن: پیامبری،
هدایت، راه‌یافتگی، عدالت، علم،
بردباری و فهم صحیح است^۱.

موعظه‌ی حسنه یا همان

پند نیکو:

با توجه به تعریفی که از حکمت
بیان داشتیم، پند نیکو و بحثی
که به نیکوترین شکل می‌باشد،

¹ - لسان العرب 12 / 140 - 142 . المعجم

الوسیط 1 / 90 . القاموس المحيط 4 / 98 .

نیز در دایره‌ی حکمت وارد می‌شوند.

ولی آن دو را به شکلی جداگانه بیان می‌داریم، تا آن را بیشتر توضیح داده و آشکارتر نماییم و مجال در اینجا بسط دادن مفهوم حکمت می‌باشد. الله تعالی نیز آن دو را به طور جداگانه بیان داشته و می‌فرماید: ﴿ادْعُ إِلَىٰ

مفهوم حکمت در دعوت // 25

سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ
الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ
أَحْسَنُ ﴿ [النحل: 125] (با
حکمت و پند نیکو به سوی
پروردگارت دعوت بده! و با
آنها به نیکوترین شکل بحث
کن!)

از آنجا که این دو امر نیز در
مفهوم حکمت وارد
می‌شوند، عطف آنها به حکمت

در این آیه‌ی گرامی، عطف
خاص نسبت به عام می‌باشد.

اصل در پند به این معنا است:
سخنی است که به نرمی به طرف
مقابل گفته می‌شود تا او آماده‌ی
انجام خیر شود و سخن شما را
قبول کند.

معنای پند دلالت دارد بر این که
رغبت یا ترس ایجاد شود و

مفهوم حکمت در دعوت 27

ترساندن یا بشارت دادن انجام پذیرد، به همین دلیل ابن عطیه گفته است: «موعظه‌ی حسنه (پند نیکو): ترساندن یا امید ایجاد کردن و لطف نمودن به انسان است تا او بترسد و نشاط پیدا کند و به صورتی قرار گیرد که فضیلت‌ها را قبول نماید»¹.

¹ - التعريفات 132 .

زمخشری در این باره اشاره به نکته‌ی باریکی نموده و گفته است: «موعظه‌ی حسنه این است که برای طرف مقابل پنهان نماند که شما برای او خیرخواهی می‌کنید و هدف شما منفعت رساندن به وی می‌باشد.

مفهوم حکمت در دعوت // 29

خلاصه این که: آن یادآوری
خیر است که توسط آن رقت
قلب ایجاد گردد»¹.

این اشاره‌ای زیبا برای توصیف
موعظه‌ی حسنه می‌باشد و این
تعریف برای حکمت وجود
ندارد، زیرا گفته‌اند: موعظه به
حسنة مقید شده است و این قید
برای حکمت وجود ندارد، زیرا

¹ - البحر المحیط 5 / 549.

حکمت همان آموزش به طور کامل می‌باشد که معلم برای تعلیم دانشجو یانش به آن همت می‌گمارد و برای آن حالتی وجود ندارد، مگر حسنه (نیکو) و نیازی به اضافه شدن کلمه‌ی «حسنه» (نیکو) به آن وجود ندارد.

مفهوم حکمت در دعوت // 31

هدف از موعظه‌ی حسنه غالبا بر حذر داشتن شخص موعظه شده از اعمال بد یا گرفتار شدن به آن می‌باشد و باید با بر طرف کردن تندی در موعظه دهنده و حاصل شدن تواضع در نفس موعظه داده شده صورت گیرد.

از موعظه‌ی حسنه، نرمی سخن و رغبت ایجاد کردن به خیر در موعظه شد و نده می‌باشد، [الله تعالی] خطاب به موسی و

هارون علیهما السلام می فرماید:

﴿اِذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ *

فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ

يَخْشَىٰ﴾ [طه: 43-44] (به

سوی فرعون بروید که او طغیان

و سرکشی نموده است * با او

به نرمی و آرامی سخن بگویید!

باشد که متذکر شود و یا ترس

از ابهت و عظمت [الله تعالی] در

مفهوم حکمت در دعوت // 33

وی ایجاد گردد) [باید توجه داشت این خطاب مربوط به فرعون است و پست‌ترین شخصی که در قرآن اوصاف او آمده است، همین فرعون می‌باشد، ولی با این وجود الله تعالی امر می‌فرماید که با او به آرامی و نرمی سخن بگویند].

بحث نمودن به نیکوترین شکل:

بحث در اصل: حجت آوردن
برای اثبات درست بودن نظر و
رد نمودن طرف مخالف می-
باشد. آن گفتگو و تبادل دلایل
و مناقشه بر سر آنها می‌باشد.
آن حالتی کامل‌تر از مخاصمه
می‌باشد و مخاصمه نوعی از
بحث است که همان رد آوردن

مفهوم حکمت در دعوت // 35

در کلام و بیان حجت‌ها
می‌باشد.

در این‌باره جرجانی در
تعریف‌اتش آورده است: «بحث:
آوردن حجت برای دفع کردن
فساد در سخن یا شبهه و یا
درست کردن سخن طرف مقابل
می‌باشد و آن در حقیقت از
روی دشمنی می‌باشد.

به جز آن که آنچه منظور ما در
اینجا است، همان بحث کردن،

حجت آوردن و گفتگو می‌باشد
و به بالاتر از آن که مخاصمه
است، نمی‌رسد، مگر آن که
بحث ما با ستمگران باشد که در
آن صورت به حد مخاصمه
می‌رسد، زیرا در این صورت
صفت نیکو بودن از آن جدا
می‌شود و اگر شخصی برای
دعوت به بحث نیاز پیدا کند،

مفهوم حکمت در دعوت 37

باید به نیکوترین شکل آن را انجام دهد.

آنچه در اینجا بیان داشتیم، به پند نیکو نزدیک می‌باشد. بحث نیکو^۱ باید در چهارچوب موضوع خود انجام پذیرد و باید از به هیجان آمدن دور باشد و به مسائل بزرگتر و مهمتر

¹ - برای اطلاعات بیشتر می‌توانید به کتابچه‌ی آداب گفتگو از شیخ دکتر عائض القرنی رجوع کنید. (مترجم)

پرداخته شود و از بحث درباره-
ی مسائل کوچکتر خودداری
گردد و باید با حفظ وقت، عزت
نفس و کمال جوانمردی انجام
پذیرد و باید همراه اشتیاق به
مدارا و نرمی و دوری از
سنگدلی و خشونت باشد. بحث

مفهوم حکمت در دعوت // 39

نیکو شامل این امر نیز می باشد
که طاهر بن عاشور گفته است^۱:

«رد نمودن تکذیب معاندان با
بیان سخنی آشکار در باطل
کردن سخن آنان، به طور مثال
الله تعالی

می فرماید: ﴿قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنْ
السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ وَإِنَّا
أَوْ إِيَّاكُمْ لَعَلَىٰ هُدًى أَوْ فِي ضَلَالٍ

مُبِينٌ ﴿سَبَأُ: 24﴾ (بگو: چه کسی در آسمانها و زمین شما را روزی می دهد؟ بگو: [او همان] الله است و ما یا شما، یا بر هدایت می باشیم و یا بر گمراهی آشکارا). همچنان
می فرماید: ﴿وَإِنْ جَادُلُوكَ فَقُلِ
اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ * اللَّهُ
يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا

مفهوم حکمت در دعوت // 41

كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ ﴿ [الحج: 68-

69] (و اگر با تو وارد بحث

شدند، بگو: الله به آنچه انجام

می دهید، آگاه است * الله در

روز قیامت در آنچه که در آن

اختلاف می ورزید، بین شما

حکم می نماید).

زیور دعوتگر از صفاتی است

که باعث ایجاد حکمت می شود:

قبل از وارد شدن در ورطه‌ی

سخن گفتن درباره‌ی حکمت و

42 // مفهوم حکمت در دعوت

مفهوم آن و اشاره به معنای حکمت که در قبل آمد و آنچه که دعوتگر باید در سلامت فکری و اعتدال در قوای بدن و دوری از تعصب و انتقام‌گیری باشد، باید بگوییم: دوست دارم به صفاتی اشاره کنم که دعوتگر توسط آن زینت می‌یابد و با توفیقی از طرف الله تعالی عمل

مفهوم حکمت در دعوت // 43

او بر اساس حکمت می‌شود و با تبلیغ حق و با بصیرت به هدف می‌رسد. از آنها این موارد است:

الف - تقوا:

منظور از آن، تمامی معانی آن می‌باشد و شامل تمامی انجام اموری که به آنها امر شده و ترک اموری است که از آنها نهی شده است و همچنین زیور یافتن به صفات اهل ایمان است. اگر

الله تعالی تقوا را نصیب شخصی
گرداند، قلب او نورانی می‌شود،
درک او زیاد می‌شود، در مقابل
حق بصیرت پیدا می‌کند و
توسط آن به وسایل و اسلوب-
های صحیحی می‌رسد که
شخص را با حالتها، زمانها،
مکانها و اشخاص هماهنگ
می‌کند. همانا که عاقبت برای

مفهوم حکمت در دعوت // 45

تقوا می باشد: ﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا﴾ [الطلاق: 4] (و کسی که از الله تقوا پیشه کند، در امر وی برای وی آسانی قرار می دهد).

دوستان الله تعالی همان متقیان می باشند...

ب - اخلاص:

این امری است که به شکل نظری کاملاً معلوم است، ولی

تحقق یافتن آن قسم به الله، بسیار سخت می‌باشد. کسی که این صفت در او ایجاد شود، به نظر مردم، چیزهای آنها اهمیتی نمی‌دهد و در پی رضایتمندی آنان نمی‌باشد. در اینجا است که یاد سخن امام مجدد شیخ الإسلام محمد تمیمی رحمه الله می‌افتم: «بعضی از مردم هستند

مفهوم حکمت در دعوت // 47

که به سوی الله دعوت می دهند
و این در حالی است که فقط به
سوی خودشان دعوت می -
دهند».

در بین مردم بیشترین کسی که
باید این خصلت را داشته باشد
و از همه ی مردم به آن محتاج تر
می باشد، علماء و دعوتگران
می باشند. اولین کسانی که در
روز قیامت، آتش جهنم برای
آنها آماده می شود، کسانی

هستند که این خصلت را ضایع
نموده‌اند. غزالی رحمه الله در
الإحیاء از شهوت خقیی که
دعوتگر را به سوی شرک خفی
می‌کشانند، ترسانده و گفته است:

«دعوتگر در هنگام دعوت و
برپا داشتن آن، برای علم و
دینی که دارد، خودش را بزرگ
دیده و دیگران را در جهل و

مفهوم حکمت در دعوت // 49

کوتاهی می بینید و در نتیجه آنان
را تحقیق_____ر
می کند. گاهی هدف از دعوت
بیان جدا بودن شخص از
دیگران می باشد و دعوت شده
را - حتی به شکل خفی - به
علت جهل، کوتاهی و بدی حال
او، تحقیق_____ر
می کند».

گفته است: «این ذلتی زیاد بوده
و حماقتی ترسناک

50 // مفهوم حکمت در دعوت

می باشد. این فریب شیطان است که آن را به گردن هر انسانی می اندازد، مگر کسی که الله تعالی عیب های او را به وی نشان داده و چشمانش را به نور هدایت گشوده باشد، همانا که در حکم نمودن برای دیگران، لذت زیادی برای نفس وجود دارد.»

مفهوم حکمت در دعوت // 51

غزالی رحمه الله به این روشنگری اکتفا ننموده بلکه سنجش و محک آن را نیز بیان داشته است: «در اینجا سنجش و معیاری وجود دارد که شایسته است تا دعوتگر توسط آن خودش را مورد امتحان قرار دهد. آن این است که برپا داشتن دعوت دیگران و اصلاح مردم و قبول شدن توسط آنها نزد وی دوست داشتنی‌تر از آن باشد که

آن مردم خود او را قبول کنند. اگر دوست داشت که این امر توسط دیگری انجام شود، او بر خیر خواهد بود و اگر آن را برای کسان دیگری از اهل علم و دعوت دوست نداشت، او کسی نیست، مگر شخصی که از هوای نفسش تبعیت می‌کند و هدف او از دعوت، جاه‌طلبی

مفهوم حکمت در دعوت // 53

می‌باشد، پس باید در آن مورد از الله تعالی تقوا پیشه کند و اول خودش را دعوت دهد»^۱.

ولی در سخن او: «دوست داشتن دعوت دیگران بیشتر از دعوت خودش» به نظر من جای ایراد وجود دارد و این وقتی قوی می‌شود که پیامبر ﷺ فرموده است: «فوالله لأن يهدى

¹ - با تصرف و حذف ، الإحياء 2 / 329.

الله بک رجلا واحدا خیر لک
من أن یکون لک حمر النعم»^۱
(قسم به الله، اگر یک شخص از
آنها را الله، توسط تو هدایت
نماید، برای تو از گله‌ی شتران
قرمز^۲ بهتر است). در نتیجه

^۱ - متفق علیه من حدیث سهل به سعد .

^۲ - شتران قرمز در آن زمان حکم ماشین -

های مدل بالای امروزی را داشت. (مترجم)

مفهوم حکمت در دعوت // 55

رقابت [و دوست داشتن دعوت
دادن توسط خود شخص]،
رقابت در کار خیر می باشد.
همچنین الله تعالی می فرماید:
﴿وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّنْ دَعَا إِلَى
اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا﴾ [فصلت:
33] (و چه کسی نیکو سختر از
کسی است که به سوی الله
دعوت دهد و عمل صالح انجام
دهد).

ولی جدای از این رقابت
مشروع، شخص باید اخلاص
داشته باشد و نیت خود را
اصلاح نماید.

ج - علم:

آن بزرگترین هدف در بصیرت
می باشد و این سخن الله تعالی
است که می فرماید: ﴿قُلْ هَذِهِ

مفهوم حکمت در دعوت // 57

سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى
بَصِيرَةٍ ﴿[يوسف: 108]﴾ (بگو:
این راه من است که با بصیرت
به سوی الله [تعالی] دعوت می-
دهم).

از مهمترین معانی حکمت، همان
علم می باشد، همان گونه که در
قبل بیان داشتیم.

بصیرت شامل علم و حکمت
می باشد و این خصلت نیازی به
شرح دادن ندارد، زیرا معلوم و

آشکار است. همین قدر کافی است که امام بخاری (بخارایی) رحمه الله در صحیحش آورده است: «باب العلم قبل القول والعمل» (باب علم قبل از سخن گفتن و عمل نمودن). دلیل او این سخن الله تعالی می باشد:

﴿فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاسْتَغْفِرْ لِدُنْبِكَ﴾ [محمد: 19] (پس بدان

مفهوم حکمت در دعوت // 59

که هیچ پرستش شونده و معبود
برحقی جز الله وجود ندارد و
برای گناهت طلب آمرزش
نما!)).

وی رحمه الله گفته است: «علم
قبل از سخن و عمل شروع
می شود».

در این باره حسن بصری رحمه
الله گفته است: «عمل کننده
بدون علم، مانند رهگذری است

مفهوم حکمت در دعوت // 61

قدم گذاشتن در راه پیشینیان
صالح با فهم اهل علم و فقه به
صورت نظری و عملی، می‌باشد.

د - تواضع و فروتنی:

در سرشت انسانها این وجود
دارد که کسی که آنان را تحقیر
نماید و با کوچک شمردن و
تحقیر کردن شروع نماید، چیزی
را از وی قبول نمی‌کنند، حتی
اگر آن سخن حق و صادقانه

باشد. باید توجه داشت که
بالاخواهی سببی آشکار برای
کراهت داشتن از حق و رد آن
می باشد.

در اینجا است که تواضع میوهی
شناخت الله تعالی و شناخت
نفس می باشد. خلیفه ابوبکر رضی الله عنه
گفته است: «هیچ یک از
مسلمانان، هیچ مسلمان دیگری

مفهوم حکمت در دعوت // 63

را تحقیر نکند، زیرا کوچک
مسلمانان نزد الله [تعالی] بزرگ
می باشد». الله تعالی، پیامبرش
محمد ﷺ را خطاب قرار داده و
می فرماید: ﴿وَاصْبِرْ نَفْسَکَ مَعَ
الَّذِينَ یَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ
وَالْعَشِیِّ یُرِیدُونَ وَجْهَهُ وَلَا تَعْدُ
عَیْنَکَ عَنْهُمْ﴾ [الکھف: 28] (و
صبورانه خود را همراه کسانی
قرار بده که صبحگاه و شامگاه

پروردگارشان را می خوانند و
چشمانت را از آنها بر مدار!.

ابن الحجاج گفته است: «کسی
که می خواهد بالا رود، نسبت به
الله تعالی تواضع داشته باشد،
زیرا عزت بدست نمی آید، مگر
به اندازه‌ای که [از طرف الله
تعالی] نازل می شود...».

مفهوم حکمت در دعوت // 65

امری که وابسته به این باب می‌باشد، دانستن این است که کسی که زیاد درباره‌ی خود صحبت کند یا در جهت طلب ستایش مردم باشد یا بخواهد دیگران از او تعریف کنند، سرشت مردم از او تنفر دارد.

پس فضیلت از جانب الله تعالی می‌باشد و کسی که با مردم سخن می‌گوید، باید از فضیلت

الله تعالی سخن بگوید و نه از
فضیلت خودش.

ه - صبر و بردباری:

صبر چیزی نیست جز
خویشتن‌داری در هنگام خشم و
به کار بردنِ عقل هنگام ایجاد
هیجان. قسم به الله این چیزی
نیست جز مردانگی و دارای

مفهوم حکمت در دعوت // 67

قدرت بودن، پیامبر ﷺ فرموده است: «ليس الشديد بالصرعة إنما الشديد الذي يملك نفسه عند الغضب»¹ (پهلوانی به کشتی گرفتن نیست، بلکه پهلوان کسی است که در هنگام خشم خود را کنترل می‌کند).

چه کسی به این خصلت بیشتر از مردی نیاز دارد که او دعوت

¹ - متفق علیه من حدیث سهل بن سعد.

می‌دهد و میدانِ عملِ او سینه -
های مردمان و درون‌های بشر
می‌باشد؟

از آشکارترین حالت‌های
بردباری، فروبردن خشم و بعد
از آن، گذشت از مردم می‌باشد.
این از صفات اهل بهشتی می -
باشد که عرض آن به اندازه‌ی
آسمانها و زمین است.

مفهوم حکمت در دعوت // 69

کسی که بردباری نصیب او شود،
درجاتش بالا
می‌رود... با فامیلی که با او قطع
رابطه کرده است، صله‌ی رحم
می‌نماید و کسی را که به او ظلم
کرده است را می‌بخشد و به
کسی که به او بدی کرده است،
نیکی
می‌نماید. خطا کرده است، کسی
که پندارد، صبر و بردباری از
ناتوانی و بخشش از ضعیف

بودن و و روی برگرداندن از
جاهلان، ترس و خواری می-
باشد. کسی این سخن را به زبان
نمی‌آورد، مگر کسی که از روی
گناه تکبر دارد و آن صفت
نکوهیده‌ای است که همان گونه
که معلوم است با بردباری
منافات دارد.

مفهوم حکمت در دعوت // 71

امام زین العابدین بن علی بن حسین - رضی الله عنه وعن آباءه - روزی به سوی مسجد حرکت نمود، مردی او را دشنام داد و در نتیجه مردم به آن مرد اعتراض کردند. او رضی الله عنه گفت: «وی را رها کنید!». سپس به وی روی نمود و گفت: آنچه از عیب‌های ما که از تو پوشانده مانده است، بیشتر از این می‌باشد. آیا برای تو نیازی وجود

دارد که ما بر طرف نماییم؟
مردی از روی حیاء [در حالی
که نیازمند بود، چیزی را در
خواست نکرد] و او نیز شال
خود را بر وی انداخت و امر
نمود تا هزار درهم به او بدهند.
در اینجا بود که هر وقت آن مرد
او را می‌دید، می‌گفت: تو از
فرزندان پیامبران هستی.

سنگدلی و درشتخویی:

سعید بن عبدالرحمن زبیدی گفته است: «علمایی که تبسم داشته و شاد می‌باشند، مرا به شدت جذب می‌کنند. اما کسانی که با خوشرویی با آنها برخورد می‌نمایند و آنها با ترش رویی با شما برخورد می‌نمایند و به خاطر علمشان بر شما منت

می‌گذارند، الله تعالی هیچ وقت چنین افرادی را زیاد نگرداند».

ای دعوتگران: مردم به پی‌آوری
مهربان و جوانمردی بشاش نیاز
دارند. آنان نیاز دارند که
کوشش آنها دوست داشته شود
و در برابر جهل آنها بی‌تابی
صورت نگیرد. به کسی نیاز
دارند که سختی‌های آنها را به

مفهوم حکمت در دعوت // 75

دوش بردارد و آنها سختی‌های
وی را بر دوش حمل نکنند و
همچنین به کسی نیاز دارند که
دارای عاطفه و رضایتمندی
بسیار باشد.

به همین دلیل بود که رحمت
ربانی، شامل حال محمد ﷺ شد
و فرستاده و الگو می‌باشد:
﴿فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لَنْتَ لَهُمْ
وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ
لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ

وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ ﴿[آل عمران: 159]

(پس با رحمتی از طرف پروردگارت برای آنها نرم شدی و اگر سنگدل و درشت‌خو بودی، از دور و اطرافت پراکنده می‌شدند، پس آنان را عفو نما! و برای آنها طلب آمرزش کن!).

هرگز برای حق خودش خشمگین نشد و هرگز به علت

ضعف بشری آنها، بی‌تاب
نگریدید. هر آنچه که در دستانش
بود را به آنها می‌داد و از روی
اشتباهاتشان از آنها روی
برنگرداند و بردباری، نیکی به
آنها و عاطفه به خرج دادن در
برابر آنها را به اوج خود رساند.

وقتی به بنده قلبی مهربان و
سرشتی با رقت به همراه علم و
حکمت داده شود... افراد زیادی
نیستند که خواهان خیرخواهی

وی نمی‌باشند و البته که دنیا پُر
از کسانی است که خیرخواهان
را دوست نمی‌دارند.

بلکه دعوتگری که بر حق می-
باشد و دارای علم و کوشش
است، ممانعت مردم و نفرات
آنها او را اسیر خود نمی‌کند...
بلکه به آنها مهربانی می‌کند و
برای آنها دلسوزی می‌نماید و

مفهوم حکمت در دعوت // 79

این عمل او دائمی می‌شود و از روی عادت دفعه‌ای بعد از دفعه‌ای دیگر آن را انجام می‌دهد، به مانند عادت کردن پدر و مادری که در برابر فرزندان‌شان اشتیاق داشته و با پافشاری به آنها در حالت سلامتی و مریضی غذا و دارو می‌دهند. همانند در حدیثی که ابوداود، نسائی، ابن ماجه و ابن حبان آن را از ابوهریره رضی الله عنه

80 // مفهوم حکمت در دعوت

آورده‌اند، پیامبر ﷺ فرموده است:
«إِنَّمَا أَنَا لَكُمْ مِثْلُ الْوَالِدِ لَوْلَدِهِ»
(همانا من فقط در برابر شما
مثل پدر در برابر فرزندش می-
باشم).

آیا مهربانی بیشتر از مهربانی
پدر در برابر فرزند
دیده‌اید. چقدر قوم پیامبر ﷺ او
را به سختی انداختند و زاری

مفهوم حکمت در دعوت // 81

کنان می فرمود: «اللهم اهد قومی
فإنهم لا یعلمون» (یا الله! قوم را
هدایت نما! زیرا آنها نمی دانند).

اموری که در دعوت از حکمت
می باشند:

بعد از این مقدماتی که بیان
داشتم که می پندارم شما را با
بعضی راه های حکمت آشنا
کرده است، به راه های حکمت و
مسلكهای آن می پردازم که

راهی به سوی شناخت حقیقی
حکمت و آشکارترین صفات
دعوتگر می باشد. سعی می کنم
به تفصیل این راهها را بیان
دارم:

این شرح بر اساس شناخت
سرشت انسانها و طبقات دعوت
شدگان و انتخاب زمان مناسب
و در نظر گرفتن مناسبات می -

مفهوم حکمت در دعوت // 83

باشد. سپس نگرشی به راه‌های دعوت و اسلوب‌های آن دارم... که شامل نیکی کردن با سخن و اشتیاق داشتن بر اشاره نمودن در زمانی که نیازی به آشکار کردن نباشد و نیت خیرخواهی و پوشاندن عیب دیگران و در حد امکان دوری از مشهور شدن که انسان را در پیمودن راه مشروع ضایع می‌گرداند و کم کردن لغزش‌ها در حد امکان،

است. ای برادر بافضیلت! این
قسمتی از شرح این امور می-
باشد:

امر اول: سرشت انسانها و
طبقات دعوت شدگان:

انسانها در سرشت‌هایشان با
یکدیگر فرق دارند و در درک
امور با یکدیگر فرق می‌کنند، در

مفهوم حکمت در دعوت // 85

علم و هوش، مزاج و احساس و در تمایلات و علاقه‌ها یکی نیستند. آنچه برای دعوتگر با علم شایسته است انتخاب راه ورود مناسب است... زیرا انسانهای مختلف دارای سرشته‌های مختلف و عقل‌های متفاوت می‌باشند.

بله در بین آنها خشمگین و آرام، مؤلف و درس ناخوانده و

انسان موجه و غیر موجه وجود دارد.

این سخنی است که علی رضی الله عنه آن را گفته است و توسط آن قلبها را توصیف کرده است، همان قلبهایی که وحشی می باشند، او گفته است: «قلبها وحشی می - باشند و کسی که با آنها الفت

مفهوم حکمت در دعوت // 87

داشته باشد، به آنها دست می-
یابد».

او ﷺ قلبها را به صورت حیوانی
وحشی به تصویر
می کشد که در سرشت آن الفت
وجود ندارد و باید در ابتدا با آن
فت برقرار نمود و الله تعالی
می داند که این چقدر در میدان
خیرخواهی و توجیه کردن مفید
می باشد. آیا کسی را می شناسید
که به او نسبت جهل یا عدم

معرفت یا بد اندیشی داده شود و از این امر خشنود گردد. برای انسان خیلی سنگین است که به او نسبت جهل داده شود و به همین دلیل است که وقتی او را از اشتباهش آگاه می‌گردانید، خشمگین می‌شود و در برای رد حق، کوشش می‌نماید تا مبادا از جهل او پرده برداشته شود.

مفهوم حکمت در دعوت // 89

این دربی است که وقتی به آن
نزدیکی حاصل می‌شود، در آن
تنفر ایجاد می‌گردد و بلکه
ممکن است آن شخص برای
دفاع از خودش هجوم بیاورد و
آزار برساند و باید دانست که
کسی که دارای حکمت و زیرکی
در تربیت و حوش می‌باشد،
همان کسی است که به توفیق الله
تعالی در هدایت مردم موفق
می‌شود.

تربیت کننده‌ی موفق کسی است
که کوشش می‌نماید تا آن
قسمتی که در مردم پاک است را
بیابد و با عاطفه، از خطاها و
حماقت آنها در گذرد... امری
که باید بدون تکلف به آن توجه
داشت تا مشکلات و ایرادات
آنها بر طرف شود. سپس باید به
منبع خیر در درون آنها برسد و

مفهوم حکمت در دعوت // 91

در این حالت است که محبت و اعتماد آنها جلب می‌شود.

چیزی که باید بر آن سعی صدر داشت تا بر سرشت مردم دست یابیده شود... باید خیر را تا آنجا برای آنها تعریف نمود که توان فهم آن را داشته باشند و ملاحظه نمود که دعوت شده قابلیت درک آن را دارد یا خیر و نباید به او مسائلی را رساند که عقل او توانایی فهم آنها را

ندارد، اگر این کار صورت
نگیرد، گاهی نفرت و باز پس
زدن صورت می‌گیرد و گاهی
قدرت فکر کم
می‌باشد و باعث گرفتار تاریکی
فتنه‌ها شدن می‌شود.

ابن مسعود رضی الله عنه در این باره گفته
است: «تو سخنی را برای قومی
بیان نمی‌داری که عقل آنها

مفهوم حکمت در دعوت // 93

توانایی فهم آن را ندارد، مگر آن که این امر باعث گرفتار فتنه شدنِ بعضی از آنها می‌شود». علی رضی الله عنه گفته است: «برای مردم به گونه‌ای سخن بگویید که متوجه‌ی آن شوند، آیا دوست دارید که الله و فرستاده‌اش تکذیب شوند؟!».

امر دوم: انتخاب زمان مناسب و در نظر گرفتن محیط:

این امری بزرگ و تأثیر گذار در امور حکمت و رسیدن به آن می باشد. این کلمه در سخن ابن مسعود رضی الله عنه تبلور پیدا می کند: «قلبها دارای خواست و روی نمودن و همچنین خستگی و پشت نمودن می باشند، پس در هنگام خواست و روی نمودن به سراغ آنها روید و آن را در

مفهوم حکمت در دعوت // 95

خستگی و پشت نمودن، رها
کنید». او هر
پنج‌شنبه برای آنان موعظه می-
نمود. مردی به او گفت: دوست
دارم تا هر روز ما را موعظه
نمایی، او گفت: «چیزی که مرا
از این کار باز می‌دارد این است
که من کراحت دارم که شما را با
موعظه خسته نمایم و غمگین
سازم، همان‌گونه که رسول

الله ﷺ برای خسته نشدن ما
رعایت حال ما را می‌کرد»^۱.

بله امر این گونه است و نزول
کتاب پروردگار ما بر اساس
مناسبات، اتفاقات، زمانها و
مکانها فرق می‌کرده است.

شما [اگر از اهل دعوت باشید]
به خوبی می‌دانید که مردم در

¹ - متفق علیه .

مفهوم حکمت در دعوت // 97

ماه رمضان توجه بیش‌تری نسبت به غیر ماه رمضان به دین دارند و مناسبات مختلف این‌چنینی زیاد می‌باشند. اتفاقات زیادی که در آنها شادی ایجاد شده و یا آن‌که مصیبت‌ها وارد می‌شود. توجه نمودن به این مناسبات و در نظر داشتن آنها باعث فهمیدن راز بزرگی می‌شود که در تأثیر گذاشتن بر مردم و قبول از طرف آنها تأثیر

زیادی دارد. اگر می‌خواهید
درک بیشتری نسبت به این
زمانها و احوال داشته باشید، به
زمانهایی بنگرید که تأکید شده
است که دعا نمودن در آنها
مستحب می‌باشد... مانند سحر،
نزول باران و رویارو شدن
لشکر اسلام در برابر لشکر کفر.

مفهوم حکمت در دعوت // 99

اگر می‌خواهید درباره‌ی این امر مثالی داشته باشید، به حکمت یوسف علیه السلام بنگرید در هنگامی که دو جوان از او درخواست نمودند تا خواب آنها را تعبیر نماید و او حالت زندان را در نظر گرفت و از فرصت استفاده کرد و آن دو را به سوی الله واحد و یکتا دعوت داد.

﴿يَا صَاحِبِ السِّجْنِ أَرْبَابٌ مُتَفَرِّقُونَ خَيْرٌ أَمِ اللَّهُ الْوَاحِدُ

الْقَهَّارُ * مَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِهِ إِلَّا
أَسْمَاءٌ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَآبَاؤُكُمْ مَا
أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ إِنْ
الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ أَمَرَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا
إِيَّاهُ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ
النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿﴾ [يوسف:

39-40] (ای دو یار زندان!)

¹ - عده‌ای برای آن که منزلت کلمه‌ی صحابه که مفرد آن صاحب را پایین بیاورند،

مفهوم حکمت در دعوت // 101

آیا خدایان گوناگون بهترند یا
خدای یکتای چیره‌مند * غیر از
او چیزهایی را عبادت نمی‌کنید،
مگر اسمهایی که شما و پدرانتان
آنها را به این نام نامیده‌اند و الله

این آیه را مثال می‌زنند و می‌گویند: در این
آیه یوسف علیه السلام خطاب به دو مشرک از کلمه -
ی صاحب استفاده کرده است. باید بگوییم: در
اینجا صاحب به کلمه‌ی زندان اضافه شده
است و نه این که یوسف علیه السلام آن دو را صاحب
و همنشین خود بداند، بلکه آنها را همنشین
زندان و نه همنشین خود معرفی نموده
است. (مترجم)

[تعالی] برای این [امر] دلیل
محکمی نازل ننموده است [و
سخن شما با استناد به وحی و
عقل نمی‌باشد]. حکم دادن فقط
برای الله است و امر ننموده است
که غیر او را پرستش و بندگی
نکنید! این دینی استوار است،
ولی بیشتر مردم نمی‌دانند).

مفهوم حکمت در دعوت // 103

به این امر، توجه داشتن به
شناختها، عاداتهای موجود و
سرشتهایی که در شغلها و
حرفه‌ها وجود دارد، ملحق می-
شود. اهل علم رحمهم الله در
این باره معجزات پیام‌آوران الله
تعالی را مثال زده‌اند و هر
معجزه‌ای مناسب با زمان
خودش بوده است، به مانند
عصای موسی علیه السلام که در زمان
شیوع سحر و جادو معجزه شد

و عیسی علیه السلام در زمان پیشرفت پزشکی، پیسی را درمان نمود و کتاب محمد صلی الله علیه و آله در زمان بلاغت عرب نازل شد [و همچنین معجزه‌ای شد که تا انتهای دنیا باقی خواهد ماند، زیرا معجزه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله باید به گونه‌ای می‌شد که چون پیغمبری بعد از او نخواهد آمد، آن معجزه باید

باقی می ماند تا آیندگان نیز
توسط آن پی به پیامبری
محمد ﷺ ببرند]. تمامی این
موارد منظور ما را بیان می دارند.

امر سوم: مراعت کردن امور
مهمتر و ترتیب اولویات:

آنچه گفته شد، درباره‌ی دعوت
شوندگان گوناگون و فرق
سرشت آنها و توجه به زمان و
مکان بود... در ادامه‌ی آنها امر
مهم دیگری نیز وجود دارد و آن

این است که بدون شک حکمت ایجاد می‌کند که به مهمتر بودن مسائلی که به آنها دعوت داده می‌شود نیز توجه صورت گیرد و در اول امر، اموری را به مردم برسانیم، که برای آنها اهمیت بیشتری داشته باشد. مسائل عقیدتی و اصول ملت اسلام و دیانت در مقام اول می‌باشند.

زیرا اگر این امور در بنده
درست نشود، کار نیکو و عمل
پاک از او سر نمی‌زند. الله تعالی
می‌فرماید: ﴿قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ
بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا * الَّذِينَ ضَلَّ
سَعْيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ
يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صِنْعًا *
أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ
وَلِقَائِهِ فَحَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَلَا نُقِيمُ
لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وِزْنَاً﴾ [الكهف:
103-105] (بگو: آیامی -

خواهید شما را از زیانکارترین
[انسانها] در عمل نمودن خبر
دهم * [آنها همان] کسانی
هستند که کوشش آنها در
زندگی دنیوی باطل است و آنها
می‌پندارند که اعمال نیک انجام
می‌دهند * آنها کسانی هستند
که به آیات پروردگارشان و
دیدار با وی کفر می‌ورزند و در

مفهوم حکمت در دعوت // 109

نتیجه اعمال آنها تباه می‌شود و برای آنها در روز قیامت هیچ چیز [مفیدی] نخواهد بود).

در دعوت کلیات و جزئیات وجود دارد و همچنین واجبات و مستحبات و همچنین امور حرام و مکروه و بعضی از مسائل بزرگ و مهم می‌باشند و بعضی مسائل کوچک... هر کدام از آنها باید شناخته شود و در

جای خود به آن دعوت داده
شود.

می‌پندارم که امر آشکارتر از این
است که آن را شرح دهم، ولی
نکته‌های را برای شما یادآور
می‌شوم و آن همان راه و روش
دعوت می‌باشد. وقتی معاذ بن
جبل رضی الله عنه برای دعوت به سمت
یمن رفت پیامبر صلی الله علیه و آله این راه و

مفهوم حکمت در دعوت // 111

روش را برای او ترسیم نمود:
«إِنَّكَ تَأْتِي قَوْمًا مِنْ أَهْلِ
الْكِتَابِ فَلْيَكُنْ أَوَّلَ مَا تَدْعُوهُمْ
إِلَيْهِ شَهَادَةً أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ
مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ . فَإِنْ هُمْ
أَطَاعُوا لَكَ بِذَلِكَ . . فَأَعْلَمْهُمْ
أَنَّ اللَّهَ افْتَرَضَ عَلَيْهِمْ خَمْسَ
صَلَوَاتٍ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ ، فَإِنْ
هُمْ أَطَاعُوا لَكَ بِذَلِكَ . . فَأَعْلَمْهُمْ أَنَّ

الله افترض علیهم صدقة تؤخذ
من أغنیائهم فترد علی فقرائهم»¹
(تو به سوی قومی از اهل کتاب
می روی، اولین چیزی که به آن
دعوت می دهی گواهی دادن به
این که هیچ معبود و پرستش
شونده‌ی برحق‌ی جز الله وجود
ندارد و محمد فرستاده‌ی وی

¹ - متفق علیه .

مفهوم حکمت در دعوت // 113

می باشد، باشد. اگر در این امر اطاعت کردند، به آنها یاد بده که الله [تعالی] در هر شبانه روز پنج نماز را واجب نموده است و اگر در این امر [نیز] اطاعت کردند. به آنها یاد بده که الله [تعالی] واجب نموده است که صدقه بدهند و آن را از ثروتمندان آنها بگیر و به فقراى آنها بده!).

اموری که از حکمت می‌باشند و در شکل دعوت مورد استفاده قرار می‌گیرند:

منظور از اموری که در شکل دعوت قرار می‌گیرند، اموری است که دعوتگر آن را در راه-های دعوت مورد استفاده قرار می‌دهد و توسط آن، حق را به مردم ابلاغ می‌نماید و آنها را

مفهوم حکمت در دعوت // 115

نسبت به چیزی که به آنها
منفعت می‌رساند و یا ضرر را از
آنان دفع می‌نماید، بینا می-
گرداند.

این اسلوب‌ها به طور کلی یا
کلامی می‌باشد و یا رفتار با
دعوت شدگان با مدارا نمودن و
نرمی است و کوتاه آمدن در
برابر فریاد آنها و پیمودن منهجی
که در آن رغبت ایجاد کردن و
ترساندن وجود دارد و تندی و

نرمی کردن در آن موجود می-
باشد.

در اینجا شرح این موارد را بیان
می‌دارم:

امر اول: سخن نیکو:

اگر دعوتگر سخن خود را
استوار نماید و لفظ خود را نیکو
گرداند، قسمت بزرگی از

مفهوم حکمت در دعوت // 117

حکمت به او داده شده است.
الله عَزَّوَجَلَّ می فرماید: ﴿وَقُولُوا لِلنَّاسِ
حُسْنًا﴾ [البقرة: 83] (و با مردم
به نیکی سخن بگویید!).

طلحه بن عمر گفته است: به
عطاء گفتم: تو مردی هستی که
مردم با توجه به سرشتهای
مختلف آنها دورت و جمع می-
شوند و من مردی تند می باشم و
برای آنها گاهی سخنان تندی به
زبان می آورم. گفت: این گونه

نباش، زیرا الله تعالی می فرماید:
﴿وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا﴾ (و با
مردم به نیکویی سخن بگوید!).

عطا گفت: این آیه درباره‌ی
یهودیان و مسیحیان می باشد،
پس این امر درباره‌ی افراد
حق‌گرا چگونه می باشد؟!

امام قرطبی رحمه الله در تفسیر
این آیه از عایشه رضی الله

مفهوم حکمت در دعوت // 119

عنهما آورده است که پیامبر ﷺ فرموده است: «یا عائشة لا تکونی فحاشة فإن الفحش لو کان رجلا لکان رجلا سوء»^۱ (ای عایشه! هرگز دشنام دهنده مباش! زیرا اگر دشنام دادن از طرف مردی صورت بگیرد آن مرد، مردی بدسلوک می باشد).

^۱ - القرطبی 2 / 16 .

قرطبی رحمه الله درباره‌ی آن
تعلیقی آورده است و گفته است:
«این تشویقی به اخلاق والا
می‌باشد، پس شایسته‌ی انسان
است که با مردم به نرمی سخن
بگوید، انسان باید با چهره‌ای
شاده و خنده‌رو با نیکوکار و
گناهکار، آشنا و غریبه سخن
بگوید و این باید بدون

مفهوم حکمت در دعوت // 121

آسانگیری بیش از حد باشد و همچنین باید سخنان او به گونه‌ای نباشد که برای آن که دعوت شده راضی شود، از حق عدول نماید»^۱.

سخن اگر نیکو باشد و به اندازه‌ی اصول سخن گفتن، حکمت به کار رود و از زیاد نمودن آن خودداری صورت

^۱ - القرطبی 2 / 16 .

گیرد... نبض قلب زنده را به
دست می‌گیرد و درون صادق را
تحت تأثیر خود قرار می‌دهد.

سخن وقتی نیکو می‌شود که
اعتدال در آن رعایت شود و به
گونه‌ای کوتاه نشود که فهم آن
غیر ممکن شود و به گونه‌ای
طولانی نشود که ایجاد خستگی
نماید. خطبه‌های پیامبر ﷺ در

مفهوم حکمت در دعوت // 123

آنها اعتدال به طور کامل رعایت می‌شد. همان گونه که از جابر بن سمره رضی الله عنه در صحیح مسلم آمده است - در این گفتگوی آرام و سخنی نیکو در بحثی نیکو کمی تفکر نمایید! :-

«حصین خزاعی پدر عمران کسی بود که قریش او را بزرگ و جلیل می‌دانست، به او گفته شد که محمد صلی الله علیه و آله معبودان آنها را یاد می‌کند و دشنام می‌دهد. در

نتیجه حصین و گروهی از
قریش [نزد پیامبر ﷺ] آمدند و
نزدیک درب پیامبر ﷺ نشستند.
حصین داخل شد و وقتی
پیامبر ﷺ او را دید گفت: مکان
را برای شیخ باز نمایید! حصین
گفت: این چه چیزی است که
درباره‌ی تو به من گفته‌اند؟ آیا
تو معبودان ما را دشنام می‌دهی؟

مفهوم حکمت در دعوت // 125

فرمود: «یا حصین کم تعبد من آله» (ای حصین! چند معبود را پرستش می‌کنی؟) گفت: هفت عدد بر روی زمین و یکی در آسمان. فرمود: «فإذا أصابک الضر فمّن تدعو» (اگر ضرری به تو برسد، کدام یک را برای دعا می‌خوانی؟) گفت: آن که در آسمان است. فرمود: «فإذا هلک المال من تدعو» (اگر مال تو از بین برود، کدام یک را به دعا

می‌خوانی؟) گفت: آن که در آسمان است. فرمود: «یستجیب لک وحده و تشرک معه؟ أسلم تسلّم» (آیا یکی از آنها دعاهای تو را مستجاب می‌کند و این در حالی است که برای او شریک قرار می‌دهی؟ ای حصین! اسلام بیاور و تسلیم [امر پروردگار] شو!)، در نتیجه او اسلام آورد و

مفهوم حکمت در دعوت // 127

فرزندش در جلوی او ایستاد و سر، دستان و پاهای او را بوسه زد. وقتی حصین خواست بیرون برود، رسول الله ﷺ فرمود: «شیعوه إلی منزله» (تا منزلش او را همراهی نماید!)^۱.

چقدر جالب است! کافر و در حالی که برای تنبیه کردن آمده

^۱ - اهل علم درباره‌ی اسلام حصین اختلاف نظر دارند و قول ارجح این است که او اسلام آورد. همان گونه که حافظ ابن حجر و دیگران آن را بیان داشته‌اند.

بود، وارد شد... و مسلمان و راستگو خارج گردید. ای کاش می دانستم! حال قریش با همنشین شان و شخص با وجهه‌ای که در بین آنها بود، چگونه بود؟!

در این امر سخن گفتن به نرمی نیز وارد می‌شود، همان سخنی که بشریت را از غربت در می‌-

آورد و رگهای غیرت فامیل و خویشانان را بر می‌انگیزد و باعث به وجود آمدن عبارات دلسوزانه و با محبت می‌شود.

این ابراهیم علیه السلام است که پدرش را با مهربانی خطاب قرار می‌-

دهد: ﴿يَا أَبَتِ إِنِّي قَدْ جَاءَنِي مِنَ الْعِلْمِ مَا لَمْ يَأْتِكَ فَاتَّبِعْنِي أَهْدِكَ صِرَاطًا سَوِيًّا * يَا أَبَتِ لَا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَنِ عَصِيًّا * يَا أَبَتِ إِنِّي

أَخَافُ أَنْ يَمَسَّكَ عَذَابٌ مِنْ
الرَّحْمَنِ فَتَكُونَ لِلشَّيْطَانِ وَلِيًّا *
قَالَ أَرَأَيْتَ أَنْتَ عَنْ آلِهَتِي
يَا إِبْرَاهِيمُ لئنْ لَمْ تَنْتَهَ لَأَرْجُمَنَّكَ
وَأَهْجُرَنِي مَلِيًّا * قَالَ سَلَامٌ
عَلَيْكَ سَأَسْتَغْفِرُ لَكَ رَبِّي إِنَّهُ
كَانَ بِي حَفِيًّا ﴿﴾ [مریم: 42-47]

(ای پدر عزیزم! علمی به من
رسیده است که چنین علمی به

مفهوم حکمت در دعوت // 131

تو نرسیده است، پس از من
تبعیت نما تا تو را به راه درست
هدایت نمایم * ای پدر عزیزم!
شیطان را عبادت نکن، شیطان
در برابر [خداوند] رحمان،
نافرمان است * ای پدر عزیزم!
من می ترسم که عذابی از طرف
[خداوند] رحمان به تو برسد و
یاور شیطان شوی * ای
ابراهیم! آیا تو مرا از معبودان و
پرستش شوندهگان خودم باز

می‌داری، قسم می‌خورم که اگر
[این کار خودت را] قطع نکنی،
تو را سنگسار نمایم. پس برای
مدت زیادی از من دور شو! *
گفت: سلامتی بری تو باشد،
برای تو از پروردگارم طلب
آمزش خواهم نمود، همانند او
در حق من مهربان است).

مفهوم حکمت در دعوت // 133

هر پیامبری به قومش می‌گفت:
ای قوم من! شما را یادآور
تعهدات خانوادگی و اموری که
در آنها دوستی و مهربانی وجود
دارد، می‌شوم.

محمد ﷺ نیز به قومش با
سخنانی رقت آورد در دعوتی
مدارا گونه می‌فرمود: «إن الرائد
لا يكذب أهله والله لو كذبت
الناس جميعا ما كذبتكم ولو
غششت الناس جميعا ما

غششتکم» (من پیشوایی هستم
که به اهل خود دروغ نمی‌گویند
[و به راستگویی معروف می-
باشم]. اگر به تمام انسانها دروغ
بگوییم، به شما دروغ نمی‌گوییم و
اگر به تمام انسانها خیانت نمایم،
به شما خیانت نمی‌کنم).

امر دوم: باصراحت صحبت نمودن یا با کنایه و اشاره سخن گفتن.

از سخن نیکو با کنایه صحبت کردن و اشاره نمودن بدون آشکارا سخن گفتن می باشد.

اگر آشکارا صحبت شود، حجاب هیبت برداشته می شود و جرأت بر حمله ور شدن و مخالفت از روی فخر فروشی و لجبازی و عناد ایجاد می گردد.

اما با اشاره صحبت کردن باعث
میل نمودن نفس‌های بافضیلت،
ذهن‌های هوشمند و چشمان
گشاده می‌شود.

به ابراهیم بن ادهم گفته شد:
مردی چیزی را در کسی می‌بیند
و یا به او می‌رسد که فلان کار
را انجام داده است، آیا باید به
آن شخص آن مورد را بگویید؟

مفهوم حکمت در دعوت // 137

گفت: این درشتی نمودن می-
باشد، بلکه باید با کنایه سخن
بگویید.

تمامی این موارد برای بر طرف
کردن تنگی از نفس‌ها و
برانگیختن خیر در دعوت شده
توسط دعوتگر می‌باشد. در
اینجاست که می‌بینیم که با کنایه
صحبت کردن، سنتی بود که
پیامبر ﷺ در مورد اصحابش ﷺ
آن را به کار

می‌گرفت: «ما بـ مال أقوام يفعلون
کذا ویقولون کذا» (چه شده
است که گروهی این چنین رفتار
می‌کنند و آن چنان سخن می‌-
گویند؟).

امر سوم: خیرخواهی بدون رسوا نمودن.

می‌خواهم در اینجا خیرخواهی را به طور خاص بیان کنم و باید توجه داشت که به تمامی اموری که بیان شد، این امر نیز ارتباط دارد... تا آنجا که باید گفت: خیرخواهی بزرگترین هدف دعوت است و اگر آن وجود

نداشته باشد، دعوت به طور کل
باطل می‌گردد.

در اینجا به آداب خیرخواهی
اشاره می‌شود که یکی از
قسمتهای مهم حکمت در دعوت
است. اگر ما از خیرخواهی دور
شویم، دعوت ما فقط مشهور
کردن و رسوا نمودن می‌باشد.
این امر را سخن حافظ ابن قیم

رحمه الله آشکار می‌کند، آنجا که گفته است: «نصیحت، نیکی کردن به کسی است که برای او خیرخواهی صورت می‌گیرد و همراه با مهربانی، دلسوزی و غیرت داشتن برای وی می‌باشد و بر چنین شخصی واجب می‌باشد تا به طور محض نیکی نماید که از مهربانی و رقت قلب ایجاد می‌گردد و هدف خیرخواهی کننده باید رضایت

صورت الله تعالی و نیکوکاری به
آفریدگانش باشد».

این دعوتی است که باعث
اصلاح می‌گردد و باید در آن
اخلاص نسبت به الله تعالی
وجود داشته باشد و همچنین
باید با محافظت از احساس‌های
خیرخواهی شده بر اساس
اموری که در قبل بیان شد،

مفهوم حکمت در دعوت // 143

همراه باشد تا آن که نصیحت و خیرخواهی به دشمنی، جدل، شرّخواهی و اختلاف تبدیل نشود.

آنچه تأکید شده است و در این امر باید در آن دقت نمود، این است که یادآور شدن انسانی به بدی، در اصل حرام شده است. به یکی از پیشینیان گفته شد: «آیا دوست داری که کسی عیب‌های تو را به تو بگوید؟»

گفت: «اگر بخواهد مرا توبیخ نماید، نه نمی‌خواهم».

فرقی بین نصیحت و خیرخواهی با ایراد گرفتن وجود ندارد، مگر نیت، انگیزه و اشتیاق داشتن به پوشاندن عیوب. پیامبر ﷺ نیز از آن که شخصی ملک یمین خود را ملامت کند، نهی فرموده است و فرموده است: «إِذَا زَنَتِ الْأُمَّةُ

فتبین زناها فلیجلدها ولا
یثرب»^۱ (اگر ملک یمنی زنا
کرد و زنای او آشکار شد، او را
شلاق بزنید، ولی ملامت
نکنید!).

فضیل عیاض گفته است: «ه و من
می پوشاند و خیرخواهی می کند
و گناهکار هتک حرمت می کند
و عیب می گیرد». آنان می گفتند:

¹ - متفق علیه .

«کسی که در مقابل مردم به برادرش چیزی را امر نماید [و اشتباه او را متذکر شود] همانا از او عیب‌جویی کرده است».

این چنین است که انسان خیرخواه و راستگو، نیتش این نمی‌باشد که عیب‌های کسی که برآی او خیرخواهی می‌کند را انتشار دهد و فقط

مفهوم حکمت در دعوت // 147

هدف او از بین بردن مفسد و
بیرون آوردن برادرش از سختی
و بلا یا می باشد.

بین کسی که هدفش خیرخواهی
است و کسی که هدفش رسوا
نمودن است، فرق وجود دارد و
نباید یکی از آنها با دیگری
اشتباه گرفته شود.

همان گونه که أم الدرداء رضی
الله عنها گفته است: «کسی که
برادرش را پنهانی موعظه دهد،

او را زینت داده است و کسی که
او را به طور آشکار موعظه
دهد، همانا او را رسوا کرده
است.»

امر چهارم: آداب تعامل
سخن در قبل درباره‌ی امور
حکمت که در سخن گفتن و

مخاطب قرار دادن و نیکویی
بحث کردن بود، گذشت.

در این قسمت به بعضی از
اموری اشاره می‌شود که شایسته
است در آداب برخورد کردن با
دعوت شده، انجام گیرد،
مخصوصاً وقتی در آنها چیزی
دیده می‌شود که شایسته است تا
آنها را بیدار نمود و واجب است
تا تغییر در آن صورت پذیرد.

این قسمت شامل نرمی در
تعامل، آرامش داشتن و چشم
پوشی کردن از لغزشها و
جاهایی که در آن رغبت ایجاد
کردن و ترساندن باید ایجاد
گردد، سخن به میان آمده است.

حالتی از نرمش در تعامل:

مفهوم حکمت در دعوت // 151

سرشت‌ها دارای اشتیاق زیادی
به کسی می‌باشند که به آنها
نیکی کند و با نرمی و چهره‌ای
باز با آنان برخورد نماید.

همچنین شدت عمل باعث ایجاد
تکبر، نفرت و لجبازی می‌شود و
شخصِ مقابل، از روی تکبر به
گناه مرتکب می‌شود. به مانند
این را در قبل بیان نمودیم.
تعاملی تأثیرگذار است که با
نرمش همراه باشد و در این

152 // مفهوم حکمت در دعوت

صورت است که قلبها را می -
گشاید و سینه‌ها را فراخ می -
گرداند. باید توجه داشت که
محمد ﷺ، اصحابش رضی الله عنہم و مؤمنان
بین خودشان مهربانترین انسانها
می‌باشند.

معاویة بن الحکم السلمی رضی الله عنہ
آورده است: «همراه رسول
الله ﷺ نماز می‌خواندیم که مردی

مفهوم حکمت در دعوت // 153

در بین مردم عطسه نمود و
گفتم: «یرحمک الله» (الله تو را
رحمت نماید). مردم برای من
چشم غره رفتند و گفتم: مادرت
بی فرزند شود، از من چه می-
خواهید؟ شروع نمودند با
دستهایشان بر رانهایشان زدن،
در اینجا بود که فهمیدم که آنان
می خواهند مرا ساکت نمایند،
وقتی دیدم که آنها
می خواهند مرا ساکت کنند،

ساکت شدم و این در حالی بود
که پیامبر ﷺ پدر و مادرم فدایش
شوند، نه مرا زد و نه مرا دشنام
داد.»

در روایتی دیگر آمده است:
«هرگز معلمی را ندیدم که از
رسول الله ﷺ بیشتر مدارا نماید،
او فرمود: «إِنَّ هَذِهِ الصَّلَاةَ لَا
يَحِلُّ فِيهَا شَيْءٌ مِنْ كَلَامِ النَّاسِ ،

إنما هو التسبیح والتكبير وقراءة
القرآن» (در لیل بن نماز حلال
نیست که انسانی سخن بگوید،
آن فقط تسبیح (سبحان الله
گفتن)، تکبیر (الله اکبر گفتن) و
خواندن قرآن
می باشد).

به همین معنا ماجرای عربی
بادیه نشین است که در قسمتی
از مسجد ایستاد و ادرار نمود.
صحابه رضی الله عنہم خواستند تا به او

حمله‌ور شوند، پیامبر ﷺ آنان را
از این کار نهی نمود و وقتی کار
او تمام شد، پیامبر ﷺ به او
فرمود: «إِن الْمَسَاجِدَ لَا تَصْلِحُ
لِهَذَا إِنَّمَا هِيَ لِذِكْرِ اللَّهِ وَالصَّلَاةِ»
(مساجد برای این کار نمی‌باشد
و مسجد فقط برای یاد الله و
نماز می‌باشد). بادیه نشین در
حالی بازگشت که می‌گفت: یا

الله! من و محمد را رحمت کن و
همراه ما کسی را رحمت ننما! و
در این هنگام بود که پیامبر ﷺ
خنده کنان فرمود: «لقد حجرت
واسعا» (آنچه را که الله تعالی
گشاده داشته است، تنگ گرفتی
(زیادی سخت گرفتی)).

حافظ تعلیقی بر این ماجراها
آورده و گفته است: هدف
نزدیک کردن او به اسلام و ترک
نمودن سخت‌گیری در ابتدا می-

باشد. این چنین است بازداشتن
از گناهان و شایسته است تا با
لطف نمودن انجام گیرد تا قبول
شود. این چنین است آموزش
علم و باید تدریجی صورت
گیرد، زیرا اگر کاری در ابتدا
آسان باشد، برای کسی که به آن
مشغول می‌شود، دوست داشتنی
می‌گردد و باید با روی گشاده

برخورد نمود تا نتیجه‌ی آن
توشه برداشتن شخص مورد
خطاب بشود. والله أعلم.

امام احمد رحمه الله در این باره
گفته است: «شاگردان ابن
مسعود رضی الله عنه وقتی از کنار گروهی
می‌گذشتند و در آنها چیزی را
می‌دیدند که ناپسند می‌دانستند،
می‌گفتند: مهلت داده شود، الله
شما را رحمت نماید.»

حسن بصری رحمه الله به عروسی دعوت شد، برای او ظرفی از نقره آوردند که در آن غذایی از خرما و روغن بود، آن را گرفت و با تکه نانی عوض کرد و از آن تکه نان خورد [زیرا استفاده از ظرف طلا و نقره برای مسلمان حرام است] مردی گفت: این خودداری به

مفهوم حکمت در دعوت // 161

علت فقر می باشد. [در اینجا بود که حسن بصری رحمه الله با او به علت حرفی که زده بود، تندی نمود].

روایت شده است که موعظه - گری، خلیفه مأمون را موعظه نمود، در حالی که در سخن خود، تندی می کرد، خلیفه به آن مرد گفت: ای مرد! مدارا کن! همانا الله تعالی بهتر از تو را به سوی بدتر از من فرستاد و به او

امر نمود تا با مدارا برخورد نماید، الله تعالی می فرماید:

﴿اذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ *
فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ
يَخْشَىٰ﴾ [طه: 43-44] (شما

دو نفر به سوی فرعون بروید،
زیرا او طغیان نموده است * و
با او به نرمی سخن بگویید!
باشد که متذکر شود و یا ترس

از بهت و عظمت [من] در وی
ایجاد گردد).

امر پنجم: ملاطفت نمودن
ملاطفت نمودن حالتی از تعامل
است که دلیلی بر وجود حکمت
می باشد و باعث می شود تا به
هدف رسیده شود، به همراه این
که کرامت و بزرگی دعوتگر و
دعوت شده حفظ می شود.

امام بخاری (بخارایی) بایی را در صحیحش قرار داده است به نام: «المداراة مع الناس» (ملاطفت نمودن با مردم)، سپس حدیثی را از عایشه رضی الله عنها بیان داشته است: مردی از پیامبر ﷺ اجازه خواست و او فرمود: «ائذنوا له فبئس ابن العشيرة، أو بئس أخو العشيرة» (به او اجازه

مفهوم حکمت در دعوت // 165

دهید که بد انسانی می باشد»،
وقتی داخل شد، با او به نرمی
سخن گفت. عایشه رضی الله
عنها گفت: گفتم: ای رسول الله!
چیز دیگری درباره ی او گفتمی،
ولی وقتی داخل شد، با نرمی با
او سخن گفتمی؟! فرمود: «أی
عائشۃ ، إن شر الناس منزلةً عند
الله من تركه أو ودعه الناس اتقاء
فحشه» (ای عایشه! شررترین
مردم نزد الله [تعالی] کسی است

که دیگران او را از ترس
بدگفتاری و بد رفتاری کنار
بگذارند [و در حدیثی دیگر: به
او احترام بگذارند].

ابن بطال گفته است: ملاطفت از
اخلاق مؤمنان است و آن بال
مهربانی گشودن بر مردم، با
سخنی نرم سخن گفتن و ترک
سنگدلی و درشتخویی می باشد

مفهوم حکمت در دعوت // 167

و این از بزرگترین سبب‌های به وجود آمدن انس و الفت می‌باشد. گفته است: بعضی از مردم فکر می‌کنند، ملاحظت نمودن، همان چاپلوسی است و این درست نمی‌باشد، زیرا ملاحظت مستحب است و چاپلوسی حرام است. فرق آنها این است: ریشه‌ی چاپلوسی (مداهنه) دهان است و آن این است که به ظاهر امری بیان شود و اصل آن در

باطن پنهان بماند و علماء آن را
این گونه شرح داده‌اند: همشینی
با فاسق در حالی که به ظاهر
رضایت‌مندی از وی نشان داده
شود و منکر آن فاسق دفع
نگردد، می‌باشد.

ولی ملاحظت (مداراء): مدارا
نمودن با جاهل، هنگام تعلیم
وی و مدارا نمودن با فاسق

هنگام نهی کردن او از کارش و ترک نمودن درشتخویی به طوری که در ظاهر ایجاد نگردد و زشت معرفی کردن کار وی همراه با لطف نمودن در سخن و عمل، مخصوصاً زمانی که احتیاج به ایجاد الفت باشد.

اگر این معنا تحقق یابد به این سخن حسن بصری رحمه الله می‌رسیم: می‌گویند: ملاطفت

نصف عقل است و من می‌گویم
که آن تمام عقل می‌باشد.
ابویوسف رحمه الله تعدادی از
کسانی که ملاطفت نمودن با آنها
واجب است را شمرده است. از
آنها این موارد می‌باشد: قاضی
که تأویل می‌کند، مریض، زن و
عالمی که از او علم کسب می-
شود. همچنین بیشترین کسانی

مفهوم حکمت در دعوت // 171

که ملاطفت با آنها صورت می‌گیرد از ترس شرّ و آزار آنها می‌باشد.

در حکمتهای لقمان آمده است: ای پسرکم! کسی که بگوید: شرّ با شرّ خاموش می‌شود، دروغ گفته است، پس اگر انسان راستگوست، دو آتش درست کند و بیند آیا یکی از آنها دیگری را خاموش می‌کند، بلکه فقط خیر، شرّ را خاموش می‌کند.

کند، همان گونه که آب، آتش را
خاموش می‌گرداند.

به ملاحظت اجازه داده شده
است، زیرا انسان برای در کنار
جمع بودن، آفریده شده است و
نه برای گوشه‌گیری و برای
بدنبال نیکی رفتن آفریده شده
است و نه برای به دنبال زشت
رفتن و برای همکاری آفریده

مفهوم حکمت در دعوت // 173

شده است و نه برای انفرادی
عمل کردن. به انسان چیزهای
روانی و طبیعی می‌رسد، مانند
دوست داشتن، بغض ورزیدن،
رضایت‌مندی، خشم، پسندیدن و
زشت شمردن. اگر بخواهد در
تمامی این موارد و در هر حالتی
با مردم درگیر شود، اجتماع
دچار مشکل می‌شود و شناختی
باقی نمانده و دست مردم از
همکاری کوتاه می‌شود. از

حکمت‌های الله تعالی در
آفریدگانش این است که برای
انسان ادبی قرار داده است که
توسط آن شخص را در برابر
اتفاقاتی که می‌افتد یا اموری که
مورد پستی وی می‌شود، باز
می‌دارد و این همان مدارا و
ملاطفتی است که منظور ما می-
باشد.

مفهوم حکمت در دعوت // 175

ملاطفت شامل برخورد نیکو و
سخن گفتن به نرمی
می‌باشد و خودداری از آنچه که
از آن برداشت می‌شود که
شخص دچار بغض یا خشم یا
زشت شمردن شده است... مگر
زمانی که در این برداشت خیری
در پوشاندن، برتری دادن و
اصلاح کردن وجود داشته باشد.
جالب است که در راه گذشتگان
نظری داشته باشیم و وصیت

سحنون به پسرش محمد را
بدانیم: «... بر دشمنت سلام کن!
با او ملاطفت کن! که رأس
ایمان ملاطفت با مردم است».
محمد بن ابی الفضل هاشمی
گفته است: به پدرم گفتم: چرا با
فلانی مجالست می‌کنی، در
حالی که دشمنی او برای تو
آشکار است؟ گفت: آتش را

خاموش می‌کنم و دوستی را
روشن می‌نمایم.

جانها به ملاحظت تمایل دارند.
فهمیده‌ام که مردم برای این
آفریده شده‌اند که به مانند یک
جسد باشند. اعضای سالم بدن
باید برای زنده ماندن به یکدیگر
متصل باشند و هر کدام کار خود
را انجام دهند و اگر قسمتی از
بدن که در علم پزشکی برای
درمان آن راهی وجود ندارد،

دچار مشکل شود، باید برای درمان، آن عضو بدن قطع گردد. هدف از ملاحظت این است که مردم را بر رضایتمندی و الفت گرفتن، یکجا جمع کند و این باید داخل در حد و مرزهایی باشد که شایسته آن است. این ملاحظت نباید، قضاوت را از عدالت منع کند و خیرخواهی را

مفهوم حکمت در دعوت // 179

از مدار نمودن. باید دانسته شود که هوشمندی شخص و حکمت او، ارزش زیادی در موفق شدن او به ملاحظت و نیکویی انجام آن و راهی برای رسیدن به آن، دارد.

وقتی مردم با یکدیگر فرق می-کنند، ملاحظت با آنها نیز فرق می‌کند. ملاحظتی که از حق جدا شود، از سوی بدفهمی و پندار اشتباه می‌باشد. سخت‌ترین

ملاطفت با کسانی است که با
حق و فضیلت وارد جنگ
شده‌اند و اگر در مسیر انسان
قرار گرفتند، باید با توجه به
مقتضای آن، با آنها ملاطفت
صورت گیرد.

ملاطفت با کسی که امید به راه-
یافتگی و اصلاح وی می‌رود،
مهمتر و بزرگتر است ملاطفت با

کسی است که دائماً در انحرافات قدم بر می‌دارد و دارای سرشت پستی است و این چنین افرادی به گونه‌ای عمل می‌کنند که امید انسان را از اصلاح آنها و استقامت برای تغییر آنها، قطع می‌کنند.

از تمامی این سخنان معلوم می‌شود که ملاحظت نمودن، راهی گرامی است که افراد باحکمت و باهوش آن را طی

می‌کنند و افراد با فضیلت، از حد و مرزهای آن عبور نمی‌کنند.

اگر دوست داشتید، چاپلوسی را از ملاطفت جدا کنید، باید بدانید که چاپلوسی اظهار رضایتمندی از امر غلطی است که ظلم و فسق می‌باشد و یا رضایتمندی

از سخن باطل و عمل منع شده،
می‌باشد.

چاپلوسی راهی نکوهیده است
که از روی دروغگویی و پیمان
شکنی می‌باشد.

دروغ است برای آن که شخص
چاپلوسی کننده، طرف مقابل را
به چیزی توصیف می‌کند که در
او وجود ندارد و کسی که
دروغگویی در این باره برای او
آسان شود، دروغگویی در

کارهای دیگر نیز برای او آسانتر می‌شود. همچنین پیمان شکنی می‌باشد، زیرا هدف چاپلوسی کننده، راضی کردن طرف مقابل در هر حالتی می‌باشد و برایش مهم نیست که چه وعده‌ای به او می‌دهد و این او را به سوی آن سوق می‌دهد که در وعده‌ی دادنش صداقت نداشته باشد.

چاپلوسان زبانشان را در اطاعت از ستم به کار می‌گیرند و فقط سخنی را به زبان می‌آورند که طرف مقابل دوست دارد گفته شود [و حق بودن آن سخن، برای آنها مهم نمی‌باشد].

ماوردی رحمه الله گفته است: «درست است که انسان امر شده است تا با دشمنانش الفت برقرار نماید و به آنها [برای دعوت آنها به اسلام] نزدیک شود، ولی

شایسته نمی‌باشد که در کنار آنها آرام بگیرد و به آنها اعتماد نماید، بلکه باید از این امر، خودش را حفظ نماید و از مکر و فریب آنها بر حذر باشد. دشمنی وقتی در سرشته‌ها محکم می‌شود، به سرشتی تبدیل شده [که برداشتن آن] غیر ممکن می‌شود و به صورت صفتی

دائمی در می‌آید و در این هنگام است که فقط باید به آنها اظهار الفت نمود و ضررهای آنها را توسط آن دفع نمود، مانند آتشی که توسط آب خاموش می‌شود و در این حالت است که عمل انسان میوه می‌دهد، حتی اگر در سرشت [طرف مقابل] آتش وجود داشته باشد و [این دشمنی] به صورتی صفتی دائمی در آمده باشد که

قابِل تغییر

نمی‌باشد. شاعر گفته است:

وإذا عجزت عن العدو فداره ...

وامزح له إن المزاح وفاق

اگر در برابر دشمن ناتوان شده-

ای، با او ملاطفت نما ... و

شروع به شوخی نمودن کن که

شوخی نمودن باعث ایجاد

موافقت [وی] می‌شود.

فالنار بالماء الذی هو ضدها ...
تعطی النضاج وطبعها الإحراق
آتش توسط آب که ضد آن
است [خاموش می شود] ... در
این حالت است که [عمل انسان]
میوه می دهد، در حالی که درون
آن آتش وجود دارد.

از آنچه که بیان شد، معلوم می -
شود که بر مصلحان شامل
دعوتگران و علماء واجب است
تا به این امر عمل کنند. واجب

است با چاپلوسی جنگ شود تا
زمین از آن پاک شده و در
سرزمین‌ها و مکانهای تربیت،
فرق بین چاپلوسی و ملاطفت
شناخته شود، در نتیجه‌ی آن
مردم را به گونه‌ای خطاب قرار
دهند که در آن مهربانی، ادب و
شجاعت وجود داشته باشد و به
کسانی احترام بگذارند که از

مفهوم حکمت در دعوت // 191

شنیدن چاپلوسی دروغین
گوش‌های خود را حفظ می‌کنند
و در جایی که احتیاج به سخن
آشکار است، حقایق را بر آنها
نپوشانند.

امر ششم: نادیده گرفتن لغزشها
و کوتاه کردن نگاه از اشتباه
دیگران

اسلوب ملاحظت که در قسمت
پیش بیان شد، این امر را در

برابر دارد که باید خطای
کوتاهی کنندگان را نادیده
گرفت و این تا زمانی است که
راهی برای اصلاح آنها وجود
دارد و اگر انسانهای گرامیی
بودند نیز باید از لغزشهای آنها
صرف نظر کرد و مخصوصاً
هنگامی که این اسلوب راهی

مفهوم حکمت در دعوت // 193

برای از بین بردن و یا کم کردن
آن خطا داشته باشد.

اگر خواهان دلیلی قوی می-
باشید، به ماجرای حاطب بن
أبی بلتعۀ رجوع کنید... این
واقعه‌ای صادقانه می‌باشد و
حالتی آشکار از ضعف بشری را
در لحظه‌های _____ از
لحظه‌های زمانی نشان می‌دهد و
بلید توجه داشت که او از
اصحاب بدر بود. از روی

خطای بزرگ او، عمر بن خطاب رضی الله عنه گفت: مرا به حال خود بگذارید تا گردن این منافق را بزنم! ولی وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله از حاطب رضی الله عنه سوال نمود و او ماجرا را برایش بیان کرد، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «لقد صدق ولا تقولوا إلا خیرا. أما علمت یا عمر أن الله قد اطلع علی أهل

مفهوم حکمت در دعوت // 195

بدر فقال اعملوا ما شئتم فقد
غفرت لكم» (همانا راست گفته
است و چیزی غیر از خیر [به
او] نگوید! ای عمر! آیا می-
دانی که الله [تعالی] اهل بدر را
مورد امتحان قرار داده است و
فرموده است: هر کاری می-
خواهید، انجام دهید! همانا من
شما را آمرزیده‌ام).

نادیده گرفتن لغزشها، اقرار به
درست بودن باطل

نمی‌باشد، بلکه نجات دادن
شخص از آنچه گرفتار آن شده
می‌باشد.

حکایت شده است دو برادر از
پیشینیان بودند که یکی از آنها
استقامت نمود [و از راه منحرف
شد]. به برادرش گفته شد: آیا با
او قطع رابطه نمی‌کنی و او را
رها

مفهوم حکمت در دعوت // 197

نمی‌سازی؟ گفت: او در حال حاضر از هر زمانی به من نیازمندتر است، زیرا او دچار لغزش شده است و من باید دست او را بگیرم و در سرزنش نمودن او باید ملاحظت به خرج دهم تا او را دعوت دهم تا به آنچه که قبلا بر آن بود، باز گردد.

حق این است که کسی که اشتباه می‌کند یا دچار ذلت می‌شود،

باید سخنان دلسوزانه‌ای را
بشنود و با شمع‌ی باید برای او
روشنی ایجاد نموده تا به
نیکوکاری خود بازگردد و با
بهترین یادران قدم بردارد.

ابودرداء رضی الله عنه از کنار مردی
گذشت که دچار گناهی شده بود
و مردم او را دشنام می‌دادند،
کار آنها را زشت دانست و به

آنها گفت: آیا اگر او در چاه می افتاد، سعی نمی کردید تا او را بیرون آورید؟ گفتند: بله. گفت: پس برادرنتان را دشنام ندهید و الله را شکر کنید که شما را از بلایی که سر او آمده است، حفظ نموده است. گفتند: آیا به او بغض نمی ورزی؟ گفت: فقط به عمل او بغض می ورزم و اگر آن را ترک کند، او برادر من است. [این نکته خیلی جالب

است که به شخص گناهکار بغض
ورزیده نشود، بلکه به عمل
زشت او بغض ورزیده شود و
این آخرین ذره‌ی ایمان است].

مفهوم حکمت در دعوت // 201

امر هفتم: رغبت ایجاد کردن و ترساندن و جاهایی که باید شدت عمل نشان داد

تمام مسائلی که در قبل آمد و تأکیدی بر نرمی، مدارا نمودن، ملاحظت، چشم پوشی از لغزشها و نادیده گرفتن خطاها بود، منافاتی با این امر نیک ندارد که در شرع بیان شده است و برای دعوتگران و مربیان ضرورت

دارد، بله آن رغب ایجاد کردن و ترساندن، و نرمی و تندی می- باشد. ولی آنچه در تعامل اول باید باشد، رغبت ایجاد کردن می‌باشد، همان گونه که امام احمد گفته است: «مردم نیازمندِ ملاطفت و مدارا، بدون تندخویی می‌باشند، ولی اگر مردی آشکارا و علنی مرتکب

فسق و بدیی شد، باید او را نهی نمود. زیرا گفته شده است: برای فاسق حرمتی وجود ندارد و کسی که مصرانه [گناه خود را] آشکار می‌کند، حرمتی برای وی وجود ندارد».

راه پیامبران الله علیهم السلام که در قرآن آمده است، راهی بین این دو امر بوده است: ﴿إِنَّا أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ أَنْ أَنْذِرْ قَوْمَكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ

أَلِيمٌ * قَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ
مُبِينٌ * أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ
وَأَطِيعُوا * يَغْفِرْ لَكُمْ مِنْ
ذُنُوبِكُمْ وَيُؤَخِّرْكُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ
مُّسَمًّى ﴿[نوح: 1-4]﴾ (ما نوح را

به سوی قومش فرستادیم] و به
او گفتیم: [قومت را قبل از آن
که گرفتار عذاب دردناک شوند،
بترسان * گفت: ای قوم من! من

مفهوم حکمت در دعوت // 205

برای شما ترساننده‌ای آشکار
می‌باشم * به این که الله را
عبادت کنید و از او تقوا پیشه
نمایید و از من اطاعت کنید *
[در این صورت است که]
گناهان شما را برای شما می-
بخشد و اجل شما را تا وقتی
معین به عقب
می‌اندازد).

درباره‌ی محمد ﷺ می‌فرماید:
﴿فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ﴾

الَّذِي أَنْزَلْنَا وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ
خَبِيرٌ * يَوْمَ يَجْمَعُكُمْ لِيَوْمِ الْجَمْعِ
ذَلِكَ يَوْمُ التَّغَابُنِ وَمَنْ يُؤْمِنِ بِاللَّهِ
وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُكْفِّرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ
وَيُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا
الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ
الْفَوْزُ الْعَظِيمُ * وَالَّذِينَ كَفَرُوا
وَكَذَّبُوا بآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ
النَّارِ خَالِدِينَ فِيهَا وَبِئْسَ

الْمَصِيرُ ﴿التغابن: 8-10﴾ (پس ایمان بیاورید به الله و فرستاده-اش و نوری که آن را نازل نموده‌ایم و [بدانید که] الله از آنچه انجام می‌دهید، باخبر است *در روز جمع شدن، شما را جمع می‌کند که آن [روز،] روز زیانکاری است و کسی که به الله ایمان آورد و عمل صالح انجام دهد، بدی‌های او را از او پاک می‌گرداند و او را به باغهایی که

نهرها از زیر آن جاری است،
داخل می‌نماید، در آن تا ابد
جاودان خواهد ماند و آن
کامیابی بزرگی می‌باشد * و
کسانی که کفر بورزند و آیات ما
را تکذیب کنند، آنان همنشینان
آتش جهنم خواهند بود، د آن
جاودان هستند و بد بازگشت -
گاهی می‌باشد).

رغبت ایجاد کردن به آن وعده -
های که الله تعالی داده است و
شامل نیکی پاداش در دنیا و
نیکی بی مشکلی در آخرت می -
باشد: ﴿وَأُخْرَىٰ تُحِبُّونَهَا نَصْرٌ مِّنَ
اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ﴾
[الصف: 13] (و دیگر چیزی که
دوست دارید، [همان] یاری از
طرف الله [تعالی] و پیروزی
نزدیک و بشارت بده به
مؤمنان).

همچنین ترساندن از وعیدِ الله
تعالی و غیرت داشتن او بر
چیزهایی که حرام نموده است و
همچنین ترس از مجازات
دردناک او که در آینده‌ی دور و
نزدیک به سراغ انسان می‌آید:
﴿وَكَذَلِكَ أَخْذُ رَبِّكَ إِذَا أَخَذَ
الْقُرَىٰ وَهِيَ ظَالِمَةٌ إِنَّ أَخْذَهُ أَلِيمٌ
شَدِيدٌ﴾ [هود: 102] (و این

مفهوم حکمت در دعوت // 211

چنین است که پروردگارت اهل سرزمینی را در حالی که آنها ظالم هستند، مجازات می‌کند. همانا مجازت او دردناک و شدید است).

ای خواننده‌ی گرامی: باید این امور و مانند آنها را مورد بررسی قرار دهیم، تا خیر تحقق پیدا کند و راه را بیابیم و بهترین حکمت نصیب ما شود: ﴿وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا

كَثِيرًا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ ﴿

[البقرة: 269] (و به کسی

حکمت داده شود، همانا خیر

زیادی به او داده شده است و

کسی پند نمی‌گیرد، مگر

صاحبان خرد).

اگر دعوتگران درست عمل

کنند، جانها دارای قدرت زیادی

در قبول حق می‌باشند و آنها

مفهوم حکمت در دعوت // 213

دوست دارند تا سخنان الله تعالی و سخنان فرستاده‌ی او ﷺ را شنیده و از پندها سود ببرند و در اینجاست که به خیر نزدیک می‌شوند و برای دست یافتن به آن آماده می‌شوند. دعوتگران به سوی الله تعالی باید این سنت‌ها را فهمیده و به شکل درست مورد استفاده قرار دهند و به مردم راهنمائی‌های دین را برسانند و نه این که آنان را در

معرض داد و فریاد خیابانی و
غوغای عمومی قرار دهند.
همچنین از لغزشگاه‌ها و راه‌های
انحرافی که دشمنان ملت،
شامل کافران و منافقان آن را در
سر راه قرار می‌دهند، باید به
شدت دوری کنند.

مفهوم حکمت در دعوت // 215

الله تعالی تمامی ما را به رسیدن
به راه هدایت و درست کردن
اعمال و هدفها، توفیق دهد.

صلی الله علی محمد و آله و صحبه
و سلم.